

تأملی قرآنی - روایی در ویژگی‌ها و روش‌های نفوذ دشمن در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان نظام اسلامی

firuzian62@gmail.com

شعبه فیروزیان/ دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۱

دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۳

چکیده

ایجاد اختلال در دستگاه ادراکی انسان اصلی‌ترین کار ابلیس و شیاطین جنی است. شیاطین انسی و دستگاه‌های حاکم شیطانی نیز برای انحراف نظام اسلامی از ارزش‌های اسلامی و انقلابی در دستگاه محاسباتی مردم، مسئولان و نخبگان جامعه اسلامی نفوذ و در آن اختلال ایجاد می‌کنند. اصولاً در ادبیات مفهومی قرآن کریم، کلمه «شیطان» علاوه بر «ابلیس» بر انسان‌های شرور و یا بر دستگاه حاکم شرور نیز قابل انطباق است. اگر از این منظر به آیات و روایات مربوط به شیطان بنگریم و آنها را بر دشمنان شرور نظام اسلامی تطبیق دهیم، آن‌گاه ویژگی‌ها و روش‌های نفوذ دشمن در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان قابل احصا و تحلیل خواهد بود. این همان روشی است که مکرر توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین رفتارهای دشمنان نظام اسلامی به کار گرفته شده است. این مقاله کوشیده با روش تحلیلی - توصیفی ویژگی‌ها و راه‌های نفوذ دشمنان شیطانی نظام اسلامی در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان را تحلیل کند.

کلیدواژه‌ها: نفوذ، شیطان، دشمن، دستگاه محاسباتی، نظام اسلامی.

مقدمه

دشمنی نظام استکبار با نظام جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر، وارد مرحله تازه و پیچیده‌تری شده است؛ مرحله‌ای که رهبر معظم انقلاب از آن با کلیدواژه «نفوذ» یاد می‌کند و مهم‌ترین حوزه آن را دستگاه محاسباتی مردم، نخبگان و مسئولان می‌دانند. یک روش برای تحلیل چگونگی نفوذ دشمن در آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام، تحلیل آیات مربوط به منافقان و بیماردلان است. اما به نظر می‌رسد عمیق‌ترین و راهبردی‌ترین روش، که امام خمینی ره و رهبر معظم انقلاب مکرر آن را به کار گرفته‌اند، تأمل در آیات و روایات مربوط به «شیطان» است؛ زیرا منظور از «شیطان» در ادبیات مفهومی قرآن کریم، هر نوع موجود شرور است که علاوه بر ابلیس، بر افراد انسانی و یا دستگاه حاکم شرور نیز قابل انطباق است، به گونه‌ای که در قرآن کریم، حتی از منافقانی که نفوذی‌های دشمن هستند نیز با تعبیر «حزب الشیطان» یاد شده است (مجادله: ۱۹).

بنابراین، اطلاق تعبیر «شیطان» بر انسان‌های شرور و دستگاه حاکم شرور، ریشه در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام دارد. در یک آیه، به صراحت لفظ «شیاطین الانس» به کار رفته است که نشان می‌دهد لفظ «شیطان» بر افراد انسانی نیز قابل اطلاق است: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ» (انعام: ۱۱۲-۱۱۳)؛ اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم. آنها سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند، و اگر پروردگارت می‌خواست چنین نمی‌کردند (و می‌توانست جلوی آنها را بگیرد، ولی اجبار سودی ندارد).

در آیه دیگر، در شرح‌حال منافقانی که با دشمنان اسلام خلوت می‌کنند، می‌فرماید: «وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُنَ» (بقره: ۱۴)؛ و هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: ما با شما هستیم! ما فقط (آنها را) مسخره می‌کنیم!

علامه طباطبائی معتقدند: لفظ «شیطان» در قرآن کریم، لزوماً به معنای «ابلیس» نیست، بلکه به معنای هر موجود شر است، که ابلیس هم یکی از مصادیق آن است: «كَلِمَةُ «شَيْطَان» بِهَ مَعْنَى «شَرِير» اِسْتِ» است که «ابلیس» هم یکی از آن شریرها است و ذریه او نیز مصادیقی از شریرند، و اشار جن هم مصادیقی از آن هستند. در

قرآن هم «شیطان رجیم» تنها به «ابلیس» اطلاق نشده، بر سایر شریرها هم اطلاق شده است. درباره «ابلیس» می‌فرماید: «فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ» (ص: ۷۷). درباره سایر شیطان‌ها و شریرها می‌فرماید: «وَ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ» (حجر: ۱۷) (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۱۹).

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نیز در *نهج البلاغه*، انسان‌ها و دولت‌های شیطان صفت - و به طور مشخص در عبارات ذیل برپاکندگانشان جنگ جمل - را اطاعت‌کنندگان از راه و روش ابلیس - که شیطان جنی است - می‌دانند: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَاكًا، وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَاكًا، قَبَاضَ وَ فَرَخَ فِي صُدُورِهِمْ، وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ، فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَّالَ وَ زَيْنَ لَهُمُ الْخَطْلَ فِعْلًا مَنْ قَدْ شَرِكُهُ الشَّيْطَانُ فِي سُلْطَانِهِ، وَ نَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَىٰ لِسَانِهِ» (نهج البلاغه، بی تا، خ ۷)؛ زشت‌سیرتان شیطان را ملاک کارشان قرار داده‌اند. او هم آنان را دام خویش برگزیده و سپس تخم‌های پستی و رذالت را در سینه‌هاشان گذارده، و جوجه‌های آن را در دامنشان پرورش داده است. با چشم آنان می‌نگرد و با زبان آنان سخن می‌گوید و با دستیاری‌شان بر مرکب گمراه‌کننده خویش سوار شده و کردار ناپسند را به نظرشان جلوه داده است (اینان به کسی مانند که) اعمال آنها گواهی می‌دهد که با همکاری شیطان انجام شده، و سخنان باطل را او به زبانشان نهاده است.

در عباراتی دیگر، اصحاب جمل را حزب و سپاهیان شیطان نامیده است: «أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ» (همان، خ ۲۲)؛ آگاه باشید که شیطان حزب خویش را گرد آورده، و سواره و پیادگان لشکر خود را فرا خوانده است.

در عباراتی مشابه، درباره اصحاب جمل می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ جَلْبَهُ لِيَعُودَ الْجُورَ إِلَىٰ أَوْطَانِهِ وَ يَرْجِعَ الْبَاطِلُ إِلَىٰ نِصَابِهِ» (همان، خ ۲۲)؛ آگاه باشید که شیطان حزب و طرفداران خویش را بسیج کرده و سپاه خود را گرد آورده است تا بار دیگر ستم را به جایش برگرداند و باطل را به جایگاه نخستینش باز فرستد.

ایشان در توصیه به اصحابشان در جنگ صفین، لفظ «شیطان» را به «معاویه» اطلاق کرده، می‌فرمایند: «وَ عَلَيَكُمْ بِهَذَا السَّوَادِ الْأَعْظَمِ وَ الرِّوَاقِ الْمُطَنَّبِ فَأَضْرِبُوا ثِجَاحَهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ كَامِنٌ فِي

به‌گونه‌ای که در ابتدای کار، ممکن است افراد ساده‌لوح برخی کارهای دشمن را توجیه کرده، دیگران را متهم به توهم و وسواس بیش از اندازه کنند و از کنار آن به سادگی بگذرند.

در تفسیر نمونه، درباره نفوذ تدریجی شیطان آمده است:

وسوسه‌های شیطان معمولاً به همین صورت است؛ انسان را قدم به قدم و تدریجاً در پشت سر خود به سوی پرتگاه می‌کشاند. این موضوع منحصر به شیطان اصلی نیست، تمام دستگاه‌های شیطانی و آلوده برای پیاده کردن نقشه‌های شوم خود، از همین روش «خطوات» (گام به گام) استفاده می‌کنند. لذا، لذا قرآن می‌گوید: از همان گام اول، باید به هوش بود و با شیطان همراه نشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۷۲).

علامه طباطبائی نیز تعبیر «خطوه» در این آیات را ناظر به اموری می‌داند که نسبت به ضربه و براندازی نهایی شیطان، جنبه مقدمی دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۷). به عبارت دیگر، برخی کارهای دشمن مقدمات نفوذ است و تا این مقدمات صورت نگیرد، نفوذی هم اتفاق نخواهد افتاد.

امیرمؤمنان علیؑ در عباراتی که در خصوص ماجرای حکمیت بیان فرمودند، به این ویژگی نفوذ شیطان اشاره کردند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عَقْدَةَ عَقْدَةً» (نهج البلاغه، بی تا، خ ۱۲۱)؛ شیطان راه‌های خویش را برای شما آسان جلوه می‌دهد و می‌خواهد پیمان‌های الهی دین شما را گره بگشاید.

آن حضرت همچنین در عبارات دیگری می‌فرماید: «حَتَّى إِذَا اسْتَدْرَجَ قَرِيبَتَهُ» (همان، خ ۸۳)؛ شیطان به تدریج، همشین و دوست خود را فریب می‌دهد.

ایشان در عبارت دیگری می‌فرمایند: «وَدَلَّفَ بَجُنُودِهِ نَحْوَكُمْ فَأَقْحَمَكُمْ، وَ لَجَاتِ الدَّلِّ وَ أَحْلَوَكُمْ وَرَطَاتِ الْقَتْلِ، وَ أَوْطَأَكُمْ إِثْخَانَ الْجِرَاحَةِ طَعْنًا فِي عِيُونِكُمْ وَ حَزًّا فِي حُلُوقِكُمْ وَ دَقًّا لِمَنَاخِرِكُمْ وَ قَصْدًا لِمَقَاتِلِكُمْ وَ سَوْفًا بِخَزَائِمِ الْقَهْرِ إِلَى النَّارِ الْمُعَدَّةِ لَكُمْ» (همان، خ ۱۹۲)؛ شیطان با سپاه خویش، به تدریج به شما حمله آورد و سپس شما را در پناهگاه‌های مذلت داخل ساخت و در مهلکه‌ها فرود آورد. او (و سپاهیان) شما را با فرو کردن نیزه در چشم‌ها، بریدن گلوها و کوبیدن مغزها پایمال کردند. این برای آن است که شما را هلاک سازد و به سوی آتشی بکشاند که از پیش مهیا شده است.

کِسْرَه» (همان، خ ۶۶)؛ به آن گروه کثیر و سراپرده پرزرق و برق (معاویه) به سختی حمله برید، و در دل آن به نبرد بپردازید که شیطان در کنار آن پنهان شده است.

بنابراین، «شیطان» نامیدن افراد و دولت‌های شرور، نه مسئله‌ای «ذوقی»، بلکه امری «اصیل» و دارای مبانی محکم قرآنی و روایی است. در این مقاله، با بهره‌گیری از این روش راهبردی، ویژگی‌ها و روش‌های نفوذ دشمن در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان تحلیل خواهد شد.

در پایان مباحث مقدماتی باید گفت هرچند در سال‌های اخیر و پس از هشدارهای مقام معظم رهبری پیرامون مسئله نفوذ دشمن در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان نظام اسلامی، مقالات متعددی نگاشته شده، اما در هیچ‌یک از آنها از این روش بنیادین برای بیان ویژگی‌ها و روش‌های نفوذ دشمن استفاده نشده است. در این مقاله تلاش شده است تا با بهره‌گیری از روش پیش گفته، به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که ویژگی‌های ثابت و همیشگی نفوذ دشمن چیست؟ و این دشمن شیطانی، از چه روش‌هایی برای نفوذ در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان بهره می‌گیرد؟

ویژگی‌های نفوذ دشمن

نفوذ دشمن همواره با سه ویژگی ثابت همراه است که در ادامه، با استناد به آیات و روایات به آنها اشاره خواهیم کرد. دشمن همواره «تدریجی»، «آرام» و «مناقضانه» به نفوذ در میان مردم و مسئولان می‌پردازد.

۱. تدریجی بودن

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های نفوذ دشمن، «تدریجی بودن» آن است. قرآن کریم در ۴ آیه، مؤمنان را از پیروی «خطوات» شیطان نهی کرده است؛ مانند این آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» (نور: ۲۱؛ نیز، ر.ک. بقره: ۱۶۸ و ۲۰۸؛ انعام: ۱۴۲؛ نور: ۲۱).

اهل لغت «خطوه» را به «فاصله میان دو پا» یا همان «گام» معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۸). با توجه به این معنا، باید گفت: نفوذ دشمن همواره در ابتدای کار، گام به گام و تدریجی است. شیطان برای برخی افراد، از ابتدا به صورت صریح نقشه نفوذش را برملا نمی‌کند، بلکه از کارهای شبهه‌ناکی شروع می‌کند که بتوان برای آن توجیهات بظاهر عقلانی آورد،

واژه «دلف» در عبارات بالا، از ماده «دلف» به معنای «راه رفتن با گام‌های نزدیک به هم» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۰۶). این عبارات امیرمؤمنان گویای آن است که دشمن برای نفوذ، ابتدا به تدریج گام برمی‌دارد، اما در ادامه، ضربات مهلکی بر پیکر ملت مسلمان و مؤمن وارد می‌سازد.

پیامبر اکرم ﷺ در یکی از آخرین خطبه‌هایشان، پس از فتح مکه، که دیگر سرزمین مکه و بسیاری از جزیره‌العرب از شرک خالی شده بود، خطاب به مردم فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ يَسَسَ أَنْ يُعِيدَ فِي بِلَادِكُمْ آخِرَ الْأَبَدِ وَ رَضِيَ مِنْكُمْ بِمَحَقَّرَاتِ الْأَعْمَالِ» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۸۷)؛ ای مردم، شیطان از اینکه در بلاد شما پرستیده شود تا ابد مأیوس شده است و از شما به کارهای (گناهان) کوچک راضی می‌شود.

این روایت نیز نشان می‌دهد که نفوذ دشمن نفوذ تدریجی است و هنگامی که از ترغیب مردم و مسئولان به انجام کارهایی که قبضش آشکار است مأیوس شود، مردم و مسئولان را به کارهایی تشویق می‌کند که قبضش در نظر آنان کوچک است.

همچنین امام کاظم ﷺ در روایتی خطاب به هشام می‌فرماید: «وَأَنَّ صِغَارَ الذُّنُوبِ وَ مُحَقَّرَاتِهَا مِنْ مَكَايِدِ إِبْلِيسَ، يُحَقِّرُهَا لَكُمْ وَ يُصَغِّرُهَا فِي أَعْيُنِكُمْ، فَجْتَمِعْ وَ تَكْتَرُ فَتَحِيطُ بِكُمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۲)؛ گناهان کوچک بی‌مقدار، از فریب‌ها و دام‌های شیطان است. آنها را به چشمتان حقیر و کوچک می‌نماید تا گرد آید و انبوه شود و شما را در میان گیرد.

۳. آرام بودن

ویژگی دوم نفوذ دشمن، آرام و بی‌سرو صدا بودن آن است. یکی از تعبیری که در قرآن کریم درباره شیطان به کار رفته و گویای این حقیقت است، تعبیر «وسوسه» است: «فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا» (اعراف: ۲۰)؛ شیطان به وسوسه کردن آنان (آدم و حوا) مشغول شد، تا لباس‌های اطاعت و بندگی خدا را از تن آنان بیرون کند، و عورت آنها را که پنهان بود، آشکار سازد.

«فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مَلِكٍ لَا يَبُلَى» (طه: ۱۲۰)؛ ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم، آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی‌زوال

راهنمایی کنم؟!

مرحوم طبرسی در ذیل آیه ۲۰ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «وسوسه» به معنای دعوت به کاری با صدای آهسته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۲۴).

از تعبیر «وحی»، که در قرآن کریم درباره شیطان به کار رفته است نیز می‌توان به این نتیجه رسید که نفوذ دشمن در ابتدای کار، نفوذی آرام و بی‌سرو صداست؛ زیرا «وحی» در لغت، به معنای «القای معنای به صورت اشاره سریع، کنایه‌آمیز و رمزگونه» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵۸). «وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ» (انعام: ۱۲۱)؛ شیاطین به دوستان خود (و کسانی که آماده پذیرش دستورات آنهایند) وحی می‌کنند.

پیامبر اکرم ﷺ در روایتی نفوذ آرام شیطان در انسان را به جریان آرام و بی‌سرو صدای خون در بدن انسان تشبیه می‌کنند: «شیطان در وجود انسان‌ها همچون خونی که در رگ‌هاست جریان دارد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۳۸۰).

امیرمؤمنان ﷺ نیز در این باره می‌فرمایند: از دشمنی بپرهیزید که در سینه‌ها مخفیانه نفوذ می‌کند و در گوش‌ها مخفیانه سخن می‌گوید» (نهج البلاغه، بی‌تا، خ ۸۳).

در این عبارت نهج البلاغه نیز هر دو ویژگی مزبور (نفوذ آرام و تدریجی شیطان) با تشبیهی زیبا بیان شده است: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَكَاً، فَبَاسٌ وَ قَرَحٌ فِي صُدُورِهِمْ، وَ دَبٌّ وَ دَرَجٌ فِي حُجُورِهِمْ» (همان، خ ۷)؛ (این زشت سیرتان) شیطان را ملاک و اساس کار خود قرار داده‌اند. او نیز آنها را به عنوان دام‌های خویش (یا شریکان خود) برگزید و به دنبال آن، در سینه‌های آنها تخم‌گذاری کرد. سپس آن را به جوجه تبدیل نمود و به تدریج، در خرده‌های آنان نفوذ کرد.

در عبارت مزبور، «دب» به معنای «حرکت آرام و خفیف» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۶) و «درج» نیز به معنای «حرکت با دقت، احتیاط و تدریجی» است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۲۱۱). تفاوت آنها با یکدیگر این است که حرکت دومی از اولی قوی‌تر است (بحرانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۸۲).

۳. منافقان

یکی دیگر از ویژگی‌های نفوذ دشمن این است که دشمن همواره با

جور دیگری جلوه می‌دهند؛ حقیقت رژیم آمریکا اینهاست. این در مورد ماست؛ در مورد کشورهای دیگر هم همین جور است. ملت بزرگ ایران این شیطان بزرگ را از کشور بیرون کرد. نباید بگذاریم دوباره برگردد. نباید بگذاریم از در رفت، از پنجره برگردد نباید اجازه بدهیم نفوذ پیدا کند. دشمنی اینها تمام نمی‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۸ شهریور ۱۳۹۴).

روش‌های نفوذ دشمن در دستگاه محاسباتی مردم،

مسئولان و خواص

اصلی‌ترین حوزه نفوذ دشمن، نفوذ در باورهای عامه مردم و دستگاه محاسباتی مسئولان و نخبگان است. دشمن با بهره‌گیری از ابزار تأثیرگذار «رسانه»، از روش‌های متنوعی برای این منظور بهره می‌گیرد که در ادامه، به آنها اشاره خواهد شد.

۱. تهدید و ایجاد ترس

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های دشمن برای نفوذ و اختلال در دستگاه محاسباتی مسئولان، خواص و عامه مردم، تهدید و ایجاد ترس در آنهاست تا آنها را از تصمیم عاقلانه بازدارد. دشمن همواره این‌گونه القا می‌کند که اگر با من رابطه نداشته باشی و آقایی من را در جهان نپذیری، جامعه اسلامی دچار مشکلات متعددی خواهد شد: «الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ» (بقره: ۲۶۸)؛ شیطان شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می‌دهد، و به فحشا (و زشتی‌ها) امر می‌کند.

خداوند در آیاتی از قرآن کریم، مؤمنان را از اینکه تهدیدهای نفوذی‌های شیطان صفت دشمن در آنها ایجاد ترس کند، برحذر می‌دارد: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۷۵)؛ این سخنان شیطان است که به وسیله آن، دوستانش را می‌ترساند. شما مسلمانان از آن ترسید و از من بترسید اگر اهل ایمان هستید.

یکی از شگردهای شیطان در جنگ بدر نیز زیاد نشان دادن سپاه دشمن برای مسلمانان بود تا از انبوه جمعیت دشمن بترسند و سست شوند. امام باقر^ع در روایتی به این موضوع اشاره می‌فرماید: ابلیس در روز بدر، مسلمانان را در چشم کفار کم، و کفار را در چشم مسلمانان زیاد جلوه می‌داد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۷۷).

نفاق و ظاهری خوشایند و دلسوزانه با مردم و مسئولان روبه‌رو می‌شود تا بتواند در بزنگاه، ضربه کاری را وارد کند. دشمن همواره با اظهار دوستی، خود را خیرخواه و دلسوز طرف مقابل نشان می‌دهد. این همان کاری است که شیطان درباره حضرت آدم کرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُذَيِّبَهُمَا وَوَدَّعَنَّهُمَا مِنْ سَوَاتِبِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ» (اعراف: ۲۰-۲۱)؛ سپس شیطان آنها را وسوسه کرد تا آنچه را از اندامشان پنهان بود آشکار سازد و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده است، مگر به خاطر اینکه (اگر از آن بخورید) فرشته خواهید شد یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند! و برای آنها سوگند یاد کرد که من خیرخواه شما هستم!

علاوه بر عبارت پایانی آیه شریفه، که شیطان قسم یاد می‌کند که من خیرخواه شما هستم، طبق دیدگاه برخی مفسران، از جمله «وسوس له» - با توجه به حرف «لام»، که معمولاً برای نفع و فایده می‌آید- نیز چنین استفاده می‌شود که شیطان در وسوسه‌های خود، چهره خیرخواه و دلسوز برای آدم^ع گرفت، درحالی که در جمله «وسوس الیه» چنین معنایی وجود ندارد، بلکه تنها به معنای «نفوذ مخفیانه» در قلب کسی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۲۶).
امیرمؤمنان^ع نیز در نامه‌شان به مالک اشتر، نسبت به نزدیکی منافقانه دشمن هشدار می‌دهند و می‌فرمایند: «گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند. پس دوراندیش باش و خوش‌بینی خود را متهم کن» (نهج البلاغه، ن ۵۳).

رهبر معظم انقلاب اسلامی با انتقاد شدید از کسانی که در داخل کشور، مشغول موجه جلوه دادن چهره دشمن هستند، می‌گویند:
بعضی‌ها اصرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیات - که از ابلیس بدتر است - بزک کنند و به شکل فرشته وانمود کنند. چرا؟ دین به کنار، انقلابی‌گری به کنار؛ وفاداری به مصالح کشور چه می‌شود؟ عقل چه می‌شود؟ کدام عقلی و کدام وجدانی اجازه می‌دهد که انسان قدرتی مثل قدرت آمریکا را به‌عنوان دوست، به‌عنوان مورد اعتماد، به‌عنوان فرشته نجات انتخاب بکند؟ این [گونه] هستند؛ حقیقت امر این است. بله، خودشان را می‌آیند؛ با ظاهر اتوکشیده، با کراوات، با ادکلن، با ظاهر بظاهر چشمگیر؛ خودشان را در چشم افراد ساده‌لوح

۲. وعده دروغ

یکی از اصلی‌ترین کارهای دشمن برای نفوذ و اخلال در دستگاه محاسباتی مردم و به‌ویژه مسئولان، دادن وعده‌های دروغ است: «يَعِدُهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (نساء: ۱۲۰)؛ شیطان به آنها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد و جز فریب و نیرنگ به آنها وعده نمی‌دهد.

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در *نهج البلاغه*، یکی از کارهای شیطان را دادن وعده دروغ به انسان‌ها می‌داند: «نوید می‌دهد و انسان را به خواهش وامی‌دارد. گناهان و جرایم زشت را نیکو جلوه می‌دهد، و گناهان بزرگ را سبک می‌شمرد، و به تدریج، پیروان خود را فریب داده، در سعادت را به روی گروگان خود می‌بندد. آنچه را که آراسته بود انکار می‌کند، و آنچه را آسان جلوه داده بود بزرگ می‌شمارد، و از آنچه آنها را ایمن کرده بود سخت می‌ترساند» (نهج البلاغه، خ ۸۳).

حضرت همچنین درباره وعده دروغ شیطان به خوار می‌فرمایند: «(شیطان گمراه‌کننده و نفسی که به بدی فرمان می‌دهد) آنان را با آرزوها فریب داد و راه گناه را برایشان هموار کرد و به آنان وعده پیروزی داد و سرانجام، به آتش جهنم گرفتارشان کرد» (همان، ح ۳۲۳).

۳. مشغول کردن به خیال‌پردازی و آرزوهای طولانی

یکی از روش‌های نفوذ دشمن در دستگاه محاسبات مسئولان و خواص - که همراه و همزمان با سایر روش‌ها انجام می‌گیرد - ترسیم خیالاتی موهوم از پیشرفت‌های مادی بظاهر زیبایی است که در نتیجه تبعیت از او به دست می‌آید. به عبارت دیگر، دشمن همواره در فضای ذهنی مسئولان و خواص این‌گونه ترسیم می‌کند که اگر به نسخه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌اش عمل شود، در آینده دنیایی از پیشرفت‌های مادی شگفت‌آور در کشور شکل خواهد گرفت. این خیال و آرزو همواره در ذهن مسئولان و خواص غرب‌زده وجود دارد و از هیچ کاری - حتی عبور از خطوط قرمز - برای تحقق آن دریغ نمی‌ورزند. همان‌گونه که در مسائل اخلاقی نیز شیطان با مشغول کردن انسان به آرزوهای طولانی و در نتیجه، فراموشی آخرت، کاری می‌کند که او از انجام هیچ‌گناهی برای رسیدن به آرزوهایش ابا نداشته باشد. خداوند در قرآن کریم، یکی از روش‌های

نفوذ شیطان را مشغول کردن انسان به آرزوطلبی و خیال‌پردازی‌های موهوم می‌داند: «يَعِدُهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (نساء: ۱۲۰)؛ (شیطان) به آنان وعده می‌دهد و آرزومندشان می‌کند و جز فریب به ایشان وعده‌ای نمی‌دهد.

علامه طباطبائی در ذیل این آیه شریفه، «امانی» را هر امر خیالی می‌داند که «وهم» از آن لذت ببرد و آن را از نتایج وسوسه و وعده دروغ شیطان می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۸۴). از سوی دیگر، صیغه مضارع دو فعل «يَعِدُهُمْ» و «يَمْنِيهِمْ» نیز دلالت بر استمرار به کار بردن این روش توسط شیطان دارد. علامه طباطبائی در ذیل این آیات شریفه، می‌فرماید:

در این آیه شریفه، از شیطان حکایت شده که گفته است: من انسان‌ها را از راه سرگرم کردنشان به پرستش غیر خدا و ارتکاب گناهان گمراه خواهم کرد و آنان را با اشتغال به آمل و آرزوهایی که از اشتغال به واجبات زندگی‌شان باز ندارد فریب می‌دهم، تا آنچه را که برایشان مهم و حیاتی است به خاطر آنچه موهوم و خالی از واقعیت است، رها کنند (همان).

در واقع، از دیدگاه علامه، هدف نهایی شیطان از مشغول کردن انسان به خیال‌پردازی، تغییر اولویت‌های او و دست کشیدن از کارهای مهم است. به عبارت دیگر، روش ابتدایی شیطان برای نفوذ در دستگاه محاسباتی انسان، «وعده دادن» است که ثمره این وعده دادن‌های پی در پی، «مشغول شدن انسان به خیال‌پردازی‌های موهوم» است، و نتیجه این مشغولیت کاذب، «دست کشیدن از کارهای مهم و اصلی» است. بنابراین، دشمن ابتدا به مسئولان - به شرط پیروی از دستورات او - وعده ایجاد جامعه پیشرفته می‌دهد و آن‌گاه به طور ناخودآگاه، خیال‌پردازی‌های موهوم در ذهن آنها شکل می‌گیرد و این‌گونه با تکیه بر «قوة واهمه» به جای «قوة عاقله» در دستگاه محاسباتی‌شان اختلال ایجاد می‌شود. ایجاد اختلال در قوة عاقله با آرزوهای طولانی، واقعیتی است که امیرمؤمنان علیه السلام نیز به آن اشاره فرموده‌اند: بدانید که آرزوهای دور و دراز، عقل را گمراه می‌کند، و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد (نهج البلاغه، خ ۸۶).

حضرت همچنین در عبارتی کوتاه در *نهج البلاغه*، ابتدا به وعده شیطان و سپس به نتیجه آن، که همان ایجاد آرزوهای موهوم است، اشاره می‌فرماید: «وعده می‌دهد و انسان را به آرزو وامی‌دارد» (همان، خ ۸۳).

الشَّيْطَانُ أَعْمَالُهُمْ وَ قَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتْ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَ اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال: ۴۸)؛ و [یاد کن] هنگامی را که شیطان اعمال آنان (کفار) را برایشان بیاراست و گفت: امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نخواهد شد، و من پناه شما هستم. پس هنگامی که دو گروه، یکدیگر را دیدند [شیطان] به عقب برگشت و گفت: من از شما بیزارم، من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید، من از خدا بیمناکم. و خدا سخت کیفر است. امیرمؤمنان^ع نیز درباره این شیوه نفوذ شیطان می‌فرماید: «شیطان زشتی‌های گناهان را زیبا جلوه می‌دهد» (نهج البلاغه، بی تا، خ ۸۳).

در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید: «شیطان همواره با انسان است و گناهان را زینت و جلوه می‌دهد تا بر او تسلط یابد» (همان، خ ۶۴). بنابراین، دشمن همواره عبور از خطوط قرمز ترسیم‌شده توسط ولی را برای خواص و مسئولان زیبا و عاقلانه جلوه می‌دهد تا احساسات و عواطف را برانگیزد و آنها ترغیب به این کار شوند و به راحتی از خطوط قرمز عبور کنند.

یکی از متعلقات مهم تزئین شیطان، «راه و گتتمان باطل» است. به عبارت دیگر، دشمن نه تنها «عمل» باطل را - که همان عبور از خطوط قرمز است - زیبا جلوه می‌دهد، بلکه همواره «راه» انحرافی و غلط خود - که آن را تنها راه به سعادت و رفاه رسیدن جامعه اسلامی معرفی می‌کند - نیز راهی سهل الوصول و بدون موانع سخت نشان می‌دهد. طبیعتاً کسانی که راحت‌طلب و رفاه‌زده تربیت شده باشند به این راه تمایل نشان می‌دهند و آن را برمی‌گزینند. امیرمؤمنان^ع این مسئله را یکی از ترفندهای شیطان می‌دانند: «شیطان راه‌های انحرافی خویش را برای شما آسان و هموار جلوه می‌دهد (تا گام در طریق او بگذارید)» (همان، خ ۱۲۱).

آن حضرت همچنین در ادامه این جمله، به چگونگی کارایی این شیوه نفوذ فکری دشمن و ایجاد شبهه فکری در جامعه و در نهایت، ایجاد فتنه اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «و او می‌خواهد پیمان دین شما را گره گره بگشاید، و به جای جمعیت و هماهنگی، تفرقه، و به وسیله تفرقه فتنه برقرار سازد» (همان، خ ۱۲۱).

نکته مهم این است که حضرت این جملات را درباره جنگ صفین و پذیرش حکمیت بیان فرمودند؛ زیرا در ماجرای صفین دقیقاً

بنابراین، هنگامی که مسئول تصمیم‌گیر یا نخبه تصمیم‌ساز، که زمینه‌های فکری و روحی مادی‌گرایی نیز در او وجود دارد، غرق در رؤیاهایی شد که دشمن با دادن وعده‌های پی در پی، آنها را برای او زیبا جلوه داده، برای رسیدن به این آرزوهای فریبنده، حاضر است از خطوط قرمز نیز عبور کند. این سه مسئله باهم (فرب دادن با آرزوها، ارتکاب گناه (عبور از خطوط قرمز) و وعده دروغ) در جملاتی از امیرمؤمنان^ع درباره خوار آمده است: «(شیطان گمراه‌کننده و نفسی که به بدی فرمان می‌دهد)، آنان را با آرزوها فرب داد و راه گناه را برایشان هموار کرد و به آنان وعده پشتیبانی داد و سرانجام به آتش جهنم گرفتارشان کرد» (همان، ح ۳۲۳).

۴. زیبا جلوه دادن گتتمان و عمل باطل

یکی دیگر از ترفندهای دشمن برای تغییر در دستگاه محاسباتی مسئولان، زیبا جلوه دادن عمل و راه باطل است. این چیزی است که قرآن کریم از آن با عنوان «تزئین شیطان» یاد کرده است: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۴۳)؛ چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دل‌های آنها قساوت پیدا کرد و شیطان، هر کاری را که می‌کردند، در نظرشان زینت داد (همچنین، ر.ک: انفال: ۴۸؛ نحل: ۶۳؛ نمل: ۲۴؛ عنکبوت: ۳۸؛ محمد: ۲۵).

علامه طباطبائی در تبیین فرایند روانی «تزئین شیطان»، آن را همراه با «تهییج عواطف» می‌داند و می‌نویسد:

زینت دادن شیطان عمل آدمی را به این است که به وسیله تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل، در دل آدمی القا می‌کند که عمل بسیار خوبی است، و در نتیجه، انسان از عمل خود لذت می‌برد و قلباً آن را دوست می‌دارد، و آن قدر قلب متوجه آن می‌شود که دیگر فرصتی برایش نمی‌ماند تا در عواقب وخیم و آثار سوء و شوم آن تعقلی کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۹۷).

همراهی «تزئین شیطان» با «تهییج عواطف» در آیه‌ای مربوط به جنگ بدر مشهود است؛ آنجا که شیطان با گفتن جمله «لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ لَكُمْ» (احساسات کفار را برای حمله به سپاه مسلمانان برانگیخت و به آنها وعده کمک داد و البته در نهایت، به جای یاری رساندن، پا به فرار گذاشت: «وَ إِذْ زَيَّنَ لَهُمُ

مستولان و خواص، القای یأس و از بین بردن اعتماد به نفس است؛ روحیه‌ای که شجاعت و قدرت ریسک‌پذیری را از انسان می‌گیرد و او را به انسانی تنبل، افسرده، مصرف‌کننده و مطیع تبدیل می‌کند. از برخی آیات قرآن کریم - که پیش از این نیز به آنها اشاره شد - می‌توان به این روش شیطانی پی برد. خداوند در آیه‌ای از قرآن کریم می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ» (بقره: ۲۶۸)؛ شیطان به شما وعده فقر و تهیدستی می‌دهد.

به نظر می‌رسد می‌توان «فقر» در این آیه شریفه را منحصر در «فقر مالی» - آن هم برای یک فرد - ندانست، بلکه «فقر» در این آیه، بر همه انواع فقر فناوری، فقر علمی و فقر فرهنگی یک جامعه نیز قالب انطباق است.

یکی از نتایج مهم این نوع وعده‌های مآبوسانه شیطان، از دست رفتن روحیه شجاعت و «ما می‌توانیم» است؛ یعنی شیطان طرحتی از آینده برای انسان ترسیم می‌کند که از او قدرت ریسک و اقدام شجاعانه را می‌گیرد.

پیامبر اکرم ﷺ در ضمن حدیثی، یکی از کارهای شیطان را ایجاد یأس در انسان‌ها می‌داند: «و از جمله یاران شیطان، تکذیب حق و ناامیدسازی از کار خیر و وعده دادن به شر است» (جمعی از علما، ۱۳۶۳، ص ۲۸۵).

۷. به غفلت انداختن

روش دیگر نفوذ شیطان «از یاد بردن» است. خداوند در برخی آیات قرآن، این کار را به شیطان نسبت داده که صریح‌ترین آنها این آیه شریفه است: «سَتَجِدُ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانَ فَاَتَسَاهُمُ ذِكْرَ اللَّهِ أَوْلِيكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ إِلَّا إِنْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ هُمْ الْخَاسِرُونَ» (مجادله: ۱۹)؛ شیطان بر آنها چیره شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده است. آنها حزب شیطانند. بدانید که حزب شیطان زیان‌کارند.

البته متعلق و مصداق خارجی این ایجاد غفلت در زمان حاضر، مسائل گوناگونی است؛ مسائلی همچون «غفلت از نعمت‌های بی‌شمار الهی به کشور و امدادهای غیبی متعدد خداوند در طول سال‌های متمادی پس از انقلاب»، «غفلت از واقعیات و ظرفیت‌های بی‌ظنیر کشور از ذهن مستولان»، «غفلت از اولویت‌های اصلی و بزرگ‌نمایی مسائل فرعی» و بسیاری موضوعات دیگر.

همین برنامه‌های شیطانی اجرا شد: نخست دشمن به آنها القا کرد که پذیرش حکمیت راحت‌ترین راه برای رسیدن به صلح و آرامش است. سپس آنها را به نافرمانی در برابر دستورات محکم امیرمؤمنان ﷺ در زمینه جهاد و مقاومت در برابر دشمن دعوت نمود، و به دنبال آن، تفرقه و نفاق در آن لشکر عظیم افکند که نتیجه آن فتنه حکمیت بود.

امیرمؤمنان علی ﷺ همچنین در خطبه‌ای که درباره ویژگی‌های منافقان بیان فرمودند، یکی از ویژگی‌های منافقان را - که همان نفوذی‌های دشمن هستند - آسان و هموار جلوه دادن راه باطل و پریپیچ و خم جلوه دادن راه حق توسط آنان می‌دانند: «آنان راه گمراهی را هموار می‌سازند و راه تنگ حق را کج و پیچیده جلوه می‌دهند. پس آنان یاوران شیطان و زبانه‌های آتش‌اند» (همان، خ ۱۹۴).

۵. شایعه‌سازی و دروغ‌پراکنی

روش پرکاربرد دیگر دشمن برای نفوذ در عامه مردم و خواص، شایعه‌سازی و دروغ‌پراکنی است. در آیه‌ای از قرآن کریم درباره منافقان (یا همان نفوذی‌های دشمن) می‌خوانیم: «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَ لَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء: ۸۳)؛ و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می‌سازند، درحالی‌که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می‌کردید (و گمراه می‌شدید).

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر نیز بیشتر اخبار شیاطین را دروغ می‌داند: «هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَ أَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ» (شعراء: ۲۲۱-۲۲۳)؛ آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟! آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می‌گردند. آنها (شیاطین) آنچه را می‌شنوند (به دیگران) القا می‌کنند و بیشتر اخبارشان دروغ است!

۶. القای یأس و از بین بردن اعتماد به نفس

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های نفوذ دشمن در دستگاه محاسباتی مردم،

می‌فرمایند: «وَهُوَ مَوْبِقَاتِ الْعُظَائِمِ» (نهج البلاغه، بی‌تا، خ ۸۳)؛ (شیطان) مهلکه‌های بزرگ را ساده و کوچک جلوه می‌دهد. «موبقات» به معنای «مهکات» است و گرفتار شدن انسان در مهلکه‌های بزرگ، نتیجه عبور او از «خطوط قرمز» ترسیم‌شده توسط خداوند است و مقدمه عبور انسان از خطوط قرمز، حساسیت‌زدایی از آن است و این همان چیزی است که شیطان و دولت‌های شیطانی در ذهن مردم و مسئولان القا می‌کنند. به عبارت دیگر، از نشانه‌های نفوذ دشمن در میان مردم و مسئولان، کم شدن ضریب حساسیت‌شان نسبت به خطوط قرمز ترسیم شده توسط ولی الهی است.

۹. تفسیر باطل سخن حق و ایجاد تردید در باورهای اصیل اسلامی و انقلابی

یکی از شیوه‌های دشمن برای نفوذ در دستگاه محاسباتی خواص و مسئولان، ایجاد شبهه با ارائه تفسیر غلط از سخنان حق است. قرآن کریم از افرادی با دل‌های منحرف یاد می‌کند که با سوءاستفاده از آیات متشابه قرآن کریم، برای ایجاد فتنه در جامعه، از آنها تفسیری انحرافی ارائه می‌دهند: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ» (آل عمران: ۷)؛ اما آنها که در قلب‌هایشان انحراف است، به دنبال مشابهاتند تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند.

همچنین باید دانست هدف اصلی دشمن از این‌گونه القائات شبهه‌ناک، «ایجاد تردید در باورهای یقینی» و در نتیجه آن، «از بین رفتن عزم راسخ» مردم و خواص است. تبدیل شدن باورهای یقینی به شک و تردید با القائات شیطانی، واقعیتی است که امیرمؤمنان^ع درباره جناب آدم آن را بیان فرمودند: آدم^ع یقین خود را به شک و وسوسه شیطان فروخت، و عزم راسخ خود را با گفته سست او مبادله کرد» (نهج البلاغه، بی‌تا، خ ۱).

ایجاد شک نسبت به ارزش‌های اسلامی و انقلابی در باور مردم و مسئولان، یکی از اصلی‌ترین اهداف و آرزوهای دشمن در پروژه نفوذ است. ائمه معصوم^ع در روایات متعددی، اصحاب خود را از شک در باورهای محکم اسلامی نهی کرده‌اند و آن را از آرزوهای شیطان دانسته‌اند. امام باقر^ع در روایتی خطاب به زراره، که از

یکی از این واقعیات، که غفلت از آن موجب خطای محاسباتی می‌شود، امدادهای غیبی مکرری است که خداوند بر ملت مؤمن و انقلابی نازل می‌فرماید. شاید به همین علت است که خداوند متعال در برخی آیات قرآن کریم، به یادآوری نعمت‌ها و امدادهایی می‌پردازد که در مقاطع گوناگون به جامعه اسلامی عطا کرده است؛ همچون آیاتی که در آنها امدادهای خداوند به بنی‌اسرائیل یادآوری شده است (بقره: ۴۹-۹۳) و یا آیاتی که در آنها امدادهای غیبی خداوند به مسلمانان در مکه - که کم تعداد و مستضعف بودند - یادآوری شده است (انفال: ۲۶) و یا آیاتی که در آنها امدادهای غیبی خداوند در جنگ بدر یادآوری شده است (انفال: ۹-۱۴).

خداوند در قرآن کریم، قول منافقان و مریض‌دلانی که در جنگ بدر حضور داشتند و صرفاً واقعیات مادی و نابرابری ظاهری سپاه اسلام و سپاه دشمن را می‌دیدند، این‌گونه بیان می‌کند: «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَوَاهُ دِينَهُمْ» (انفال: ۴۹)؛ و هنگامی را که منافقان، و آنها که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: «این گروه (مسلمانان) را دیشبان مغرور ساخته است.

در واقع، حرف آنها به زبان امروزی این بود که این مؤمنان انقلابی، که با عده و عده کم می‌خواهند در برابر دشمن تا دندان مسلح بایستند، افرادی افراطی و تندرو هستند که تصمیماتشان عاقلانه نیست و اگر عقل داشتند در برابر چنین دشمنی ایستادگی نمی‌کردند.

اما پاسخ خداوند به این حرف منافقان و مریض‌دلان چیزی نیست جز توجه دادن آنان به واقعیات غیرمادی که اتفاقاً اقتضای عقل در نظر گرفتن این واقعیات در محاسبات است: «وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۴۹)؛ (آنها نمی‌دانستند که) هر کس بر خدا توکل کند (پیروز می‌گردد) خداوند قدرتمند و حکیم است.

بنابراین، کسانی که از واقعیات و عوامل غیرمحسوس غفلت می‌کنند، قطعاً دچار خطای محاسباتی می‌شوند.

۸. حساسیت‌زدایی و تغییر خطوط قرمز

یکی از کارهای دشمن، که با نفوذ در دستگاه محاسباتی مسئولان انجام می‌شود، قبح‌زدایی و تغییر خطوط قرمز است. در واقع، دشمن با نفوذ در دستگاه محاسباتی مسئولان، حساسیت آنها را نسبت به عبور از خطوط قرمز از بین می‌برد. امیرمؤمنان^ع در این‌باره

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید که بعضی از گمان‌ها گناه است.

۱۱. تحریک احساسات

یکی از مهم‌ترین ابزارهای دشمن برای نفوذ، تحریک احساسات است. تحریک احساسات، دستگاه محاسباتی افراد را مختل کرده، در نتیجه، فرد شروع به بیان اظهارات تفرقه‌افکنانه علیه طرف مقابل خود خواهد کرد. تحریک احساسات نیز در ساحت‌های گوناگونی انجام می‌شود: «تحریک پیروان اقوام»، «تحریک پیروان مذاهب»، «تحریک طرفداران جناح‌های سیاسی» و «تحریک مسئولان دستگاه‌ها» علیه یکدیگر.

این مسئله یکی از ترفندهای شیطان است که در جنگ بدر آن را به کار برد؛ هنگامی که با گفت «لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارُ لَكُمْ» (انفال: ۴۸)؛ امروز هیچ‌یک از مردم بر شما پیروز نخواهد شد، و من پناه شما هستم.

با این حرف، احساسات کفار را برای حمله به سپاه مسلمانان برانگیخت و به آنها وعده کمک داد و البته در نهایت، به جای یاری رساندن، پا به فرار گذاشت.

در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام نیز هنگامی که سران کفر به کار در شکستن بت‌ها پی بردند و توانایی پاسخ به استدلال منطقی او را نداشتند، به تحریک احساسات پرداختند و خطاب به سایر مردم گفتند: «حَرْفُوهُ وَ أَنْصِرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ» (انبیاء: ۶۸)؛ گفتند او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر مرد عملید.

علامه طباطبائی این‌گونه خطاب کردن را برای تحریک احساسات و تهییج عواطف می‌داند و می‌فرماید: «این تهییج و تحریک از جمله «إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ» به خوبی نمایان است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۰۳).

نتیجه‌گیری

از تطبیق آیات و روایات مربوط به شیطان، به دست آمد که نفوذ دشمن در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان نظام اسلامی، دارای سه ویژگی است. دشمن همواره به صورت «تدریجی»، «آرام» و «منافقانه» در دستگاه محاسباتی افراد نفوذ می‌کند. از سوی دیگر،

اصحاب خاص ایشان بود، می‌فرمایند: «ای زراره، شک نکن؛ زیرا شیطان دوست دارد که شک کنی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۹۵). از امام کاظم علیه السلام و امام زمان علیه السلام نیز خطاب به برخی اصحاب خاصشان، روایاتی با عبارات مشابه همین روایت نقل شده است (همان، ج ۱، ص ۴۷۷ و ۵۱۸).

۱۰. ایجاد سوء ظن

روش دیگر دشمن برای نفوذ، «ایجاد بدگمانی» است؛ بدگمانی میان مسئولان با یکدیگر و بدگمانی میان مردم با نظام اسلامی. امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجادیه، یکی از کارهای شیطان را ایجاد بدگمانی می‌داند: «(خدایا) شیطان عنانم را به دست گرفته است و مرا به وادی بدگمانی و ضعف یقین می‌کشد» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲، دعای ۳۰).

نتیجه قهری ایجاد بدگمانی نیز «ایجاد تفرقه» میان مردم با یکدیگر و میان مردم با مسئولان نظام اسلامی است که جامعه را به سمت فتنه‌های خطرناک اجتماعی - سیاسی سوق می‌دهد. یکی از فتنه‌هایی که منافقان (یا همان عناصر نفوذی دشمن در جامعه اسلامی) علیه حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایجاد کردند، ایجاد سوءظن برای مؤمنان نسبت به پیامبر در ماجرای «افک» بود. هنگامی که برخی منافقان با هدف تخریب چهره پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از همسران ایشان را به رابطه نامشروع با یکی از صحابه متهم کردند، خداوند با لحنی عتاب‌آلود، خطاب به مردمی که در دام این سوءظن گرفتار شدند، می‌فرماید: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَ قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور: ۱۲)؛ چرا هنگامی که آن [بهتان] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند: این بهتانی آشکار است؟ و در عتابی دوباره می‌فرماید: «وَ لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَّكِمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۶)؛ و چرا وقتی آن را شنیدید، نگفتید: برای ما سزاوار نیست که در این [موضوع] سخن بگوییم؟ [خداوند] تو منزهی، این بهتانی بزرگ است.

به همین علت است که خداوند متعال در سوره مبارکه حجرات - که بسیاری از مفاهیم آن در جهت ایجاد وحدت میان مؤمنان است - نسبت به مسئله «سوء ظن» حساسیت نشان می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات: ۱۲)؛ هان

دشمن از روش‌های متنوعی نیز برای نفوذ در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان استفاده می‌کند؛ روش‌هایی همچون: تهدید و ایجاد ترس، دادن وعده دروغ، مشغول کردن به خیال‌پردازی و آرزوهای طولانی، زیبا جلوه دادن راه و عمل باطل، شایعه‌سازی و دروغ‌پراکنی، القای یأس و از بین بردن اعتماد به نفس، به غفلت انداختن، حساسیت‌زدایی و تغییر خطوط قرمز، تفسیر باطل سخن حق و ایجاد تردید در باورهای اصیل اسلامی و انقلابی، ایجاد سوءظن، تحریک احساسات.

تحلیل ویژگی‌ها و روش‌های نفوذ دشمن ما را به این نتیجه می‌رساند که شناخت دشمن و مواجهه با او در شرایط حاضر، نیاز به بصیرت بالایی دارد. بنابراین، مهم‌ترین وظیفه مؤمنان انقلابی در شرایط کنونی، افزایش مبانی معرفتی و سیاسی خود و روشنگری برای دیگران است.

منابع.....

- نهج البلاغه*، بی‌تا، تصحیح صبحی صالح، قم، دارالهجره.
صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، قم، الهادی.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دارصادر.
- بحرانی، میثم بن علی، ۱۳۶۲، *شرح نهج البلاغه*، چ دوم، تهران، دفتر نشر کتاب.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی www.khamenei.ir.
- جمعی از علما، ۱۳۶۳، *الأصول ستة عشر*، قم، دارالشبیری للمطبوعات.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمدآخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، چ دهم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.